



Analysis of Prophet Hood's Conversations with the Unbelievers in the Quran Based on the Operational Method of Padam

Narges Ansari ¹, Masoomeh Rahimi ²

Analysis of Prophet Hood's Conversations with the Unbelievers in the Quran Based on the Operational Method of Padam

Narges Ansari ¹, Masoomeh Rahimi ²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: n.ansari@ikiu.ac.ac.ir
2. PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: m.rahimi@fgn.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online

Keywords:
Holy Quran,
discourse analysis,
Padam method,
Prophet Hood,
infidels.

ABSTRACT

Discourse analysis, as one of the emerging approaches in the humanities, has established a wide connection with Quranic knowledge in recent years. This approach, focusing on linguistic and metalinguistic signs, seeks to discover the overt and covert layers of meaning in the text. In the evolution of discourse analysis, many schools and theories emphasize the relativity and instability of meaning and consider meaning to be a fluid and unfinished process; a view that faces fundamental challenges when faced with religious texts - which generally have a more explicit structure and are less interpretable. In response to this challenge, Hassan Bashir has introduced a new method called the Operational Method of Discourse Analysis (PADAM), which provides a basis for systematic, process-based, and purposeful analysis, considering the specific characteristics of religious texts. The Holy Quran, as the most fundamental religious text of Muslims, has a coherent and at the same time complex semantic system that is based on fundamental contrasts such as truth and falsehood, faith and disbelief, justice and oppression, and freedom and captivity. These dual contrasts not only organize the conceptual structure of the Quran, but also shape the main framework of the "revealed discourse". The present study, using a descriptive and analytical method and within the framework of the five spaces proposed in the "Padam Method", examines the dialogues of Prophet Hood with his people in the Holy Quran. The studies conducted make it clear that at each of these analytical levels - whether in the structural and linguistic dimension, or in the semantic, communicative and discursive layers - the contrast between the revelatory and monotheistic discourse and the discourse of domination, arrogance and denial is not manifested as a sectional event, but as an expanding process. This process, within the context of the prophets' conversations with their people, begins at the level of words and sentence structure, deepens at the level of meaning and values, and ultimately manifests itself in the historical, cultural, and social context of each nation.

Cite this article: Analysis of Prophet Hood's Conversations with the Unbelievers in the Quran Based on the Operational Method of Padam .Narges Ansari, Masoomeh Rahimi



تحلیل گفتگوهای حضرت هود با کافران در قرآن بر مبنای روش عملیاتی پدام

نرگس انصاری^۱ | معصومه رحیمی^۲

تحلیل گفتگوهای حضرت هود با کافران در قرآن بر مبنای روش عملیاتی پدام

نرگس انصاری^۱ ✉

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه:

N.ansari@hum.ikiu.ac.ir

معصومه رحیمی^۲

^۲ دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: m.rahimi@fgn.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تحلیل گفتمان به‌عنوان یکی از رویکردهای نوظهور در علوم انسانی، طی سال‌های اخیر ارتباط گسترده‌ای با دانش‌های قرآنی برقرار کرده است. این رویکرد با تمرکز بر نشانه‌های زبانی و فرازبانی، به دنبال کشف لایه‌های آشکار و پنهان معنا در متن است. در سیر تحول تحلیل گفتمان، بسیاری از مکاتب و نظریه‌ها بر نسبی بودن و ناپایداری معنا تأکید دارند و معنا را فرایندی سیال و ناتمام می‌دانند؛ دیدگاهی که در مواجهه با متون دینی — که عموماً ساختاری صریح‌تر و کمتر قابل تأویل دارند — با چالش‌های بنیادین روبه‌روست. در پاسخ به این چالش، حسن بشیر روشی نوین تحت عنوان روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) معرفی کرده است که با توجه به ویژگی‌های خاص متون دینی، زمینه‌ای برای تحلیل نظام‌مند، فرآیندی و هدفمند فراهم می‌آورد. قرآن کریم به‌عنوان بنیادی‌ترین متن دینی مسلمانان، واجد نظام معنایی منسجم و در عین حال پیچیده‌ای است که بر تقابل‌های بنیادین همچون حق و باطل، ایمان و کفر، عدالت و ظلم، و آزادی و اسارت استوار است. این تقابل‌های دوگانه نه تنها ساختار مفهومی قرآن را سامان می‌دهند، بلکه چارچوب اصلی «گفتمان وحیانی» را نیز شکل می‌بخشند. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و در چارچوب پنج فضای مطرح شده در «روش پدام»، به واکاوی گفت‌وگوهای حضرت هود با قوم خود در قرآن کریم می‌پردازد. بررسی‌های انجام شده روشن می‌سازد که در هر یک از این سطوح تحلیلی — چه در بعد ساختاری و زبانی، چه در لایه‌های معنایی، ارتباطی و گفتمانی — تقابل میان گفتمان وحیانی و توحیدی با گفتمان سلطه، استکبار و انکار، نه به‌عنوان یک رویداد مقطعی، بلکه به‌مثابه یک فرایند رو به گسترش جلوه‌گر می‌شود. این فرایند، در بستر گفت‌وگوهای پیامبران با اقوام خود، از سطح واژه‌ها و چینش جملات آغاز شده، در سطح معنا و ارزش‌ها عمق می‌یابد و در نهایت در بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هر امت تجلی پیدا می‌کند.

نوع مقاله: (علمی)

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم

تحلیل گفتمان

روش پدام

حضرت هود

کافران

استاد: انصاری، نرگس. تحلیل گفتگوهای حضرت هود با کافران در قرآن بر مبنای روش عملیاتی پدام. آموزه‌های قرآنی،



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز گفتمان، «گفتگو یا مخاطبه» است. گفتگو نه صرفاً پرسش و پاسخ میان دو فرد، بلکه رویارویی جریان‌های فکری و اعتقادی است که در آن هر طرف به‌مثابه نماینده یک گفتمان خاص، با شیوه‌ای، دیدگاه خود را بازنمایی می‌کند. این فرایند سیال گاه به تفاهم و همگرایی می‌انجامد و گاه به تعارض و تقابل. در این میان، قرآن کریم - به‌عنوان بنیادی‌ترین منبع اندیشه اسلامی و معیار نقد گزاره‌های دینی - جایگاهی ویژه برای گفتگو قائل است. این گفتگوها عرصه‌ای برای تقابل جهان‌بینی‌ها و باورهای متعارض‌اند؛ جایی که طرفین با بهره‌گیری از سازوکارهای زبانی و گفتمانی در پی تثبیت هویت خود و نقد دیگری‌اند. بنابراین، تحلیل این گفتگوهای قرآنی - به‌ویژه میان پیامبران و کفار - می‌تواند لایه‌های عمیق متن را آشکار سازد و شیوه‌های مواجهه با گفتمان‌های رقیب را نشان دهد.

تحلیل گفتمان نباید تنها به سطح ظاهری متن اکتفا کند، بلکه باید به کالبدشکافی زبان پردازد و از دل ساختارهای زبانی، به افکار، گرایش‌ها و اهداف پنهان گوینده یا نویسنده دست یابد. در همین راستا برخی تأکید می‌کنند که تحلیل گفتمان باید بتواند چهره زیرین متن را نمایان سازد و نشان دهد که نویسنده چگونه از زبان برای پیشبرد دیدگاه‌ها، منافع یا ایدئولوژی خاصی بهره گرفته است. (رک: یارمحمدی، ۱۳۹۱ش، ص. ۳۹-۴۰)

رویکردهای رایج غربی در تحلیل گفتمان به دلیل نسبی‌انگاری معنا، امکان دسترسی به معنای قطعی را منتفی می‌دانند؛ در حالی که متون دینی، برخلاف متون ادبی یا رسانه‌ای، واجد معانی نسبتاً روشن و ثابت‌اند. روش عملیاتی (پدام) حسن بشیر با تکیه بر فرایندسازی معنایی و رویکردی نظام‌مند، امکان تحلیل دقیق متون دینی و غیردینی را فراهم می‌کند و برای تحلیل متون دینی، فضاها «ساختاری»، «معنایی»، «ارتباطی»، «گفتمانی» و «فراگفتمانی» را مطرح می‌سازد. پژوهش حاضر بر آن است با بهره‌گیری از روش پدام، به تحلیل گفتگوهای حضرت هود با قوم خود در قرآن پردازد. تمامی گفتگوهای میان «حضرت هود» و گروه «کافران» که در بستر شبکه‌ای گسترده از مفاهیم معنایی شکل گرفته‌اند و محورهای آن را مفاهیم و ویژگی‌های منفی و ضد ارزشی همچون ظلم، نفاق، شرک، الحاد و نظایر آن تشکیل می‌دهند، از قرآن کریم استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. به‌منظور گردآوری این داده‌ها، در گام نخست، کلیه آیاتی که در آن‌ها نوعی «گفته» یا «گفته‌هایی» مطرح شده بود، شناسایی شد. سپس از میان آن‌ها، آیاتی که از منظر مفهومی در قالب «گفتگوی جدلی، مستقیم و منسجم» بین دو طرف قابل تبیین بودند، تفکیک و فهرست شدند. برای اطمینان از جامعیت و دقت در استخراج این گفتگوها، جامعه‌آمارای قرآن طی سه مرحله به‌طور کامل بررسی گردید. گفتگوهای حضرت هود در سوره‌های «اعراف، هود، شعراء، احقاف»: به‌عنوان نمونه آماری پژوهش، نهایی شد و تمامی آن‌ها به‌طور دقیق در سطوح مختلف زبانی، معنایی، بینامتنی و گفتمانی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

این پژوهش در پی آن است تا از طریق گفتمان‌کاوی، پس از تحلیل‌های نحوی و معناشناختی به بازشناسی و خوانش خطوط نانوخته حاکم بر این گفتگوها دست یابد و به این سوالات پاسخ دهد: بر اساس الگوی پدام ساختار زبانی و معنایی در گفتگوی حضرت هود با قوم خود چیست؟ تقابلهای بنیادین میان حضرت هود و قومش در گفتگوها چگونه ترسیم شده است؟ لایه‌های گفتمانی این گفتگوها چگونه قابل تحلیل است؟

پیشینه تحقیق: پژوهش‌هایی که ضمن معرفی روش پدام به تحلیل متن قرآن و گفتگوهای قرآنی پرداخته‌اند، عبارت است از: پایان‌نامه خانم زهرا میرزائی با عنوان «تحلیل گفتمان حوزه اراده بشری با رویکرد پدام». جهت اخذ کارشناسی ارشد از دانشگاه اراک در سال ۱۴۰۰. در این پژوهش، آیات مرتبط با اراده بشری در دو حوزه «خیر» شامل موضوعاتی همچون نکاح، تلاش برای آخرت، نصیحت و موارد مشابه - و «شر» - شامل مقولاتی همچون نیرنگ، خیانت، قتل و ... - دسته‌بندی شده‌اند. پس از تحلیل سه سطح نخست آیات، پژوهشگر به صورت گزینشی به بررسی فضای گفتمانی و فراگفتمانی برخی از آیات پرداخته است. با این حال، در فرایند تحلیل پنج‌گانه، نوعی خلط مباحث مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که در بررسی فضای نخستین، به جای تمرکز بر ساختارهای زبانی و دستوری، به شأن نزول آیات اشاره شده است. این موضوع (شأن نزول) نیز بار دیگر در بخش مربوط به فضای گفتمانی تکرار گردیده و از تمایز دقیق میان این فضاها کاسته است.

رساله خانم فاطمه محمدی با عنوان «بررسی گفتمان قرآن در نقد جامعه جاهلی براساس الگوی پدام» از دانشگاه کاشان در سال ۱۴۰۱. در این تحقیق، آیات مرتبط با نقد جامعه جاهلی - همچون تحریم شراب‌خواری، زنده‌به‌گور کردن دختران، به ارث بردن زنان و موارد مشابه - مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. این آیات بر مبنای سه اسلوب اصلی شامل: اقناع (مانند تمثیل، ترغیب و ترهیب)، تکلیف (مانند جملات امری در قالب ندا و جملات خبری در قالب حصر) و بلاغت دسته‌بندی شده‌اند. پس از این دسته‌بندی، هر یک از آیات و موقعیت‌های مرتبط به صورت جداگانه در پنج فضای مذکور تحلیل و تفسیر گردیده است.

مقاله خانم فاطمه محمدی با عنوان «گفتمان کاوی سه داستان قرآن براساس الگوی عملیاتی پدام». چاپ شده در نشریه مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی در سال ۱۴۰۲. در این پژوهش، با بهره‌گیری از الگوی پدام و در چارچوب رویکرد توصیفی-تحلیلی، گفتمان سه داستان کوتاه قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است. این سه داستان عبارت‌اند از: مجادله حضرت ابراهیم (ع) با نمrud در اثبات ربوبیت الهی، مشاهده عینی اعاده معدوم توسط حضرت عزیر (ع)، و سرگذشت اصحاب کهف. پژوهشگر در فرایند تحلیل این روایت‌ها از الگوی پدام بهره برده، اما اجرای آن به صورت کامل صورت نگرفته و فضای فراگفتمانی در تحلیل نهایی مورد پردازش قرار نگرفته است.

۱. روش گفتمانی پدام در تحلیل متون دینی

تا کنون رویکردها و روش‌های گوناگونی برای تحلیل گفتمان ارائه شده‌اند که هر یک بر مبنای نظری خاصی استوار بوده‌اند. با وجود تنوع این رویکردها، یک ویژگی مشترک در بسیاری از آن‌ها مشهود است و آن ابهام در فرآیند اجرایی و گرایش به ذهن‌گرایی در تحلیل‌هاست. این ویژگی سبب شده که برخی از تحلیل‌های گفتمان، علی‌رغم برخورداری از غنای مفهومی، از دقت عملیاتی و قابلیت بازتولید علمی لازم برخوردار نباشند. در واکنش به این مسئله، روش عملیاتی تحلیل گفتمان «پدام» به عنوان رویکردی نوین معرفی شده است. این روش با هدف رهایی از چالش‌های ذهن‌گرایانه و ایجاد توازن میان ذهنیت و عینیت در تحلیل معناطراحی شده و می‌کوشد چارچوبی کاربردی و فرآیندمحور برای تحلیل گفتمان، به ویژه در متون رسانه‌ای، ارائه دهد (بشیر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰).

این رویکرد، با عبور از دیدگاه‌های ایستا و ساختارمحور به معنای متن، تلاش می‌کند معنا را در جریان، تعامل و تغییر مداوم در بسترهای متنوع اجتماعی، تاریخی و ارتباطی مطالعه کند و هدف آن، کشف دال‌های بنیادین و ترسیم نقشه معنایی متن از طریق تحلیل گام‌به‌گام است (بشیر، ۱۳۹۹ش، ص. ۱۵۸). چنین تحلیلی می‌تواند نشان دهد که چگونه یک واژه، جمله یا مفهوم در دوره‌ها و زمینه‌های مختلف، بار معنایی متفاوتی می‌یابد و چگونه این تفاوت‌ها بر تولید، درک و تفسیر گفتمان‌ها اثر می‌گذارند.

نکته مهمی که بشیر بر آن تأکید دارد، این است که روش‌های تحلیل گفتمان نه در تقابل، بلکه در تکمیل و غنای یکدیگر عمل می‌کنند. به باور او، شباهت‌ها و همپوشانی‌های میان این روش‌ها به معنای تقلیل‌گرایی نیست، بلکه نشانه‌ای از رشد و تلفیق روش‌شناختی در این حوزه محسوب می‌شود. روش پدام نیز از نظریات متفکرانی چون فوکو (Foucault, 1994)، فرکلایف (Fairclough, 1995)، لاکلا و موفه (Laclau & Mouffe, 1985) و هلیدی (Halliday, 1994) بهره گرفته و تلاش کرده است عناصر تحلیلی آن‌ها را در یک چهارچوب عملیاتی ترکیب کند. (رک: بشیر ۱۳۹۷، ص. ۱۷) به نظر می‌رسد، این تلفیق نه تنها از نظر روشی یک مزیت است، بلکه افقی جدید برای پژوهشگرانی می‌گشاید که به دنبال چارچوبی جامع، منعطف و کارآمد برای تحلیل متون پیچیده هستند—خصوصاً در زمینه‌هایی چون متون دینی، گفتمان‌های رسانه‌ای یا متون سیاسی. از این رو، پژوهشگر بر این باور است که پذیرش و به‌کارگیری چنین رویکرد تلفیقی‌ای، نقطه قوت تحلیل گفتمان معاصر و راهی برای گذر از سطح توصیف به سطح تبیین و نقد ساختاری است.

اگر در سطوح پنجگانه روش «پدام» برای تحلیل متون غیر دینی، تبیین رابطه متن و فرامتن در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره در پنج سطح تعیین شده است، در تحلیل گفتمان «متون دینی» این پنج سطح به پنج «فضا» نامگذاری شده است که منعکس‌کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارتند از:

۱- فضای نظری-ساختاری ۲- فضای معنایی-ارزشی ۳- فضای ارتباطی-هویتی ۴- فضای گفتمانی ۵- فضای فراگفتمانی
در فضای ساختاری، که در آن معنا از دل ساخت‌های دستوری، زبانی و بلاغی برمی‌خیزد، زبان نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد نحوی، بلکه نظامی معنایی است که در بستر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. هالیدی برای توضیح این نظام سه فرانش بنیادین زبان را معرفی می‌کند (هلیدی، متیسن، ۲۰۰۴، ص. ۵۲۹) که بشیر نیز بر آنها تأکید می‌کند. فرانش اندیشگانی که به سازمان‌دهی تجربه انسان از جهان درونی و بیرونی می‌پردازد؛ فرانش بینافردی که به تنظیم و سامان‌دهی روابط اجتماعی اختصاص دارد؛ و فرانش متنی که انسجام و پیوستگی متن را در ارتباط با بافت تضمین می‌کند. (خان‌جان، ۱۳۸۵). بدین ترتیب، تحلیل ساختاری متن در این پژوهش با اتکا به این سه فرانش انجام می‌گیرد تا لایه‌های اساسی زبان در سطح متن نمایان شود.

در فضای معنایی، تمرکز بر شناسایی جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های معنایی متن است. در این راستا، چارچوب نظری «مربع ایدئولوژیک» ون‌دایک به کار گرفته می‌شود؛ مدلی که بر دوگانه «ما» در برابر «دیگران» استوار است و سازوکار بازنمایی مثبت

درون گروه و بازنمایی منفی برون گروه را تبیین می‌نماید. (ون دایک، ۱۳۸۲، ص. ۱۷). به این ترتیب، تحلیل معنایی متن امکان آشکارسازی لایه‌های پنهان ایدئولوژیک و استخراج جهت‌گیری‌های ارزشی گفتمان را فراهم می‌سازد.

سه فضای دیگر پدما نیز در تکمیل این چارچوب تحلیلی نقشی اساسی دارند. در فضای ارتباطی، چگونگی ارتباط و تعامل ساختارها و معانی موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی و برون‌متنی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. فضای گفتمانی سطح کلان گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد و بر ضرورت برقراری پیوند میان گفتمان درون متن و گفتمان‌های مشابه بیرون از متن تأکید دارد؛ بدین معنا که متن نه در خلأ، بلکه در شبکه‌ای از گفتمان‌های هم‌خانواده و هم‌راستا معنا می‌یابد و تحلیل آن بدون توجه به این روابط بین‌گفتمانی، ناقص خواهد بود. رویکرد فرکلاف نیز به کمک این روش آمده است. فرکلاف، مرحله تبیین گفتمان را به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی بر شکل‌گیری گفتمان اثر می‌گذارند و در عین حال، خود نیز توسط گفتمان بازتولید یا دستخوش تغییر می‌شوند. در این مرحله، تحلیل از سطح متن فراتر رفته و به رابطه متقابل میان گفتمان و بسترهای اجتماعی می‌پردازد. (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۵۴). در نهایت، فضای فراگفتمانی با ارجاع به لایه‌های فرهنگی، تاریخی و الهیاتی، امکان تفسیر متون را در بستری کلان‌تر فراهم می‌سازد. با توجه به گستردگی موضوع در پژوهش حاضر تنها به فضای فراگفتمانی در گفتگوهای قرآنی بین پیامبران و کافران پرداخته می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در عمل نیز بشیر از ظرفیتهای رویکردهای مختلف در تحلیل بهره گرفته است که در ادامه گفتگوهای میان حضرت هود و قوم عاد بر این اساس تحلیل می‌شود.

۲. تحلیل فضای ساختاری-نظری گفتگوهای حضرت هود

حضرت هود(ع) از پیامبران عرب تبار الهی و از نسل حضرت نوح(ع) بود که برای هدایت قوم عاد مبعوث شد. این قوم در سرزمین «احقاف» - منطقه‌ای در جنوب جزیره العرب، میان یمن و عمان کنونی - می‌زیستند و به واسطه نیرومندی جسمانی، تمدن پیشرفته، و سازه‌های عظیم و مستحکم خود، شهره بودند. قوم عاد، علی‌رغم برخورداری از نعمت‌های فراوان، دچار غرور، طغیان و انحراف از مسیر توحید شده بودند. حضرت هود(ع) با بیانی روشن، صادقانه و پی‌گیر آنان را به یکتاپرستی، ترک بت‌پرستی و فساد، و بازگشت به راه خدا دعوت کرد. با این حال، جز اندکی ایمان نیاوردند و اکثریت، او را به دروغ‌گویی، بی‌خردی و افتراء بر خدا متهم کردند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (هود: ۵۰). او در پاسخ به این اتهامات، با آرامش و منطق فرمود: «يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۶۶). پس از سال‌ها دعوت بی‌پاسخ، قوم عاد به عذابی سخت گرفتار شدند؛ باد سرد، تند و ویرانگری که هفت شب و هشت روز پی‌درپی بر آنان وزید و همه را نابود ساخت: «وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (حاقة: ۶).

گفت‌وگوهای حضرت هود(ع) با قوم عاد در قرآن در چند سوره بازتاب یافته است. در سوره اعراف (آیات ۷۲-۶۵)، این گفت‌وگوها شامل دعوت به توحید، بازداشتن قوم از فساد در زمین، پاسخ به اتهام سفاهت، و هشدار نسبت به عذاب الهی است. در سوره هود (آیات ۵۰-۶۰)، مفصل‌ترین روایت گفت‌وگوی هود آمده که جنبه استدلالی، دفاع از پیامبری و شرح

سرنوشت قوم را در بر دارد. سوره شعراء (آیات ۱۲۳-۱۴۰) ساختاری تبلیغی و تکرارشونده دارد و پاسخ قوم، همراه با تحقیر و انکار بیان شده است. سوره احقاف (آیات ۲۱-۲۶) نیز بخش دیگری از دعوت هود را با تأکید بر هشدار و انکار قوم روایت می‌کند. سوره فصلت (آیات ۱۵-۱۶) تنها به سرنوشت عاد و عذاب آنها اشاره دارد و فاقد ساختار گفت‌وگوی مستقیم است. در این پژوهش، گفت‌وگوهای موجود در سوره‌های اعراف، هود، شعراء و احقاف که دارای ساختار مکالمه‌ای هستند، به عنوان جامعه آماری تحلیل قرار گرفته‌اند و سوره فصلت به دلیل نبود گفت‌وگوی صریح، خارج از محدوده بررسی است.

۱-۲. گفتگوی: سوره اعراف/۷۲-۶۵

۱-۱-۲. تحلیل فرانش اندیشگانی

در فرانش اندیشگانی، زبان، تجربه انسان از جهان را سازمان‌دهی و بازنمایی می‌کند. در واقع، زبان ابزاری است که از طریق آن، دریافت و درک ما از واقعیت صورت‌بندی می‌شود و بدین سان نگرش و ایستار (نگرش) ما نسبت به جهان شکل می‌گیرد. این فرانش شامل سه فرآیند اصلی - مادی، رابطه‌ای و ذهنی - و سه فرآیند فرعی - رفتاری، کلامی و وجودی - است. فرآیند مادی به کنش‌هایی اطلاق می‌شود که انجام‌پذیر یا روی‌دادنی‌اند، مانند: شکستن، خوردن، رفتن، فرآیند ذهنی به تجربه‌های درونی و ذهنی انسان مربوط می‌شود؛ تجربه‌هایی همچون احساسات، ادراکات، باورها، تمایلات و اندیشه‌ها. این نوع فرایندها ناظر بر آن بخش از واقعیت‌اند که در درون ذهن فرد شکل می‌گیرند. فرآیند رابطه‌ای برای معرفی، دسته‌بندی یا بیان روابط میان اشیاء، مفاهیم یا افراد به کار می‌رود. این فرآیند غالباً با افعالی همچون «بودن»، «شدن»، «داشتن» و «به‌نظر رسیدن» همراه است. فرآیند رفتاری دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته شده است. افعالی نظیر نفس کشیدن، گوش دادن، نشستن، خوابیدن و راه رفتن و ... فرآیند کلامی در زبان عمدتاً با افعالی مانند بیان کردن، پاسخ دادن، گفتن، سخن گفتن و موارد مشابه نمود پیدا می‌کند. فرآیند وجودی از موجودیت یا هستی یک پدیده یا نیستی آن سخن می‌گوید. معمولاً برای بیان این فرآیند از فعل «بودن» استفاده می‌شود (رک: نبوی، مهاجر، ۱۳۷۶، ص ۴۲-۴۶). بررسی گفتگوهای حضرت هود در سوره اعراف از این منظر بر اساس جدول زیر قابل تحلیل است:

بند	نوع فرآیند	شرکت کنندگان	تحلیل اندیشگانی
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ	فرآیند کلامی / مادی	گوینده: هود، مخاطب: قوم / کنشگر ضمنی: قوم	بیانگر آغاز رسالت و گفتمان توحیدی؛ هویت پیامبر در نسبت با قوم خویش برجسته می‌شود.
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهةٍ	فرآیند کلامی / ذهنی	گوینده: قوم، مخاطب: هود/ تجربه‌گر: قوم	بازنمایی گفتمان مقاومت و تحقیر در برابر پیام وحی؛ تقابل فکری و ارزشی.

دفاع معنایی پیامبر در برابر برچسب‌زنی قدرت‌مداران.	گوینده: هود، مخاطب: قوم / موجود: سفاهت و نادانی	فرایند کلامی / وجودی	قَالَ يَقَوْمَ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ
تأکید بر نقش پیامبر در ساختار مأموریتی.	کنشگر: هود	فرایند مادی	أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا رَبِّي
روایت تنش بین امر آسمانی (وحی) و ادراک زمینی قوم.	تجربه‌گر: قوم	ذهنی	أَوْعَجَبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ...
بازتاب ذهنیت بت‌محور قوم و تردید در پیامبری.	گوینده: قوم، مخاطب: هود / فاعل: هود	فرایند کلامی / مادی	قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ
پیامدهای کفر به‌عنوان واقعیت نازل‌شده از سوی خدا.	فاعل: رجس و غضب (از سوی خدا)	فرایند مادی	قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَعَذَابٌ
بیان پیروزی نهایی پیامبر و گروه مؤمنان؛ سنت نجات.	فاعل: خداوند	فرایند مادی (نجات)	فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ

در این آیات، فرایندهای گفتاری، ذهنی و مادی غالب‌اند؛ که نشان‌دهنده تعامل فعال میان پیامبر و قوم است. تقابل معنایی میان پیام توحیدی و مقاومت استکباری از طریق نقش‌های زبانی به‌وضوح ترسیم شده است. حضور پررنگ ملاً کافر در نقش مخالفان و هود در نقش دعوتگر به حقیقت، گفتمان تقابلی ایدئولوژیک را بازتاب می‌دهد.

۲-۱-۲. تحلیل فرایند بین‌افردی

فرایند بین‌افردی که به تعامل میان گوینده و شنونده می‌پردازد؛ از طریق یک نظام دستوری به نام نظام وجه تفسیر می‌شود. و به بند ویژگی یک رویداد تعاملی را می‌دهد که گوینده و شنونده در آن دخیل هستند. یا گوینده چیزی را به شنونده می‌دهد مثلاً یک تکه خبر و یا گوینده چیزی را از شنونده طلب می‌کند، عرضه یا دادن به معنی دعوت به دریافت و تقاضا به معنی دعوت به دادن است و این یعنی تعامل میان گوینده و شنونده. بنابراین در این رویداد بین‌افردی چهار نقش را به‌طور بنیادی می‌توان در نظر گرفت: پیشنهاد، فرمان، خبر و پرسش. هر یک از این نقش‌ها با مجموعه‌ای از پاسخ‌ها می‌آیند: قبول یک دعوت، انجام یک فرمان، دریافت یک خبر و پاسخ به یک پرسش. بعلاوه این نقش‌های گفتاری در چهار نوع ساختار وجه (وجهیت فعل) خبری، التزامی، پرسشی و امری بکار گرفته می‌شود (هلیدی، متیسن، ۲۰۰۴، ص. ۱۳۴).

توضیح معنایی	وجهیت	نوع جمله	بند
دعوت به توحید با تأکید و هشدار اخلاقی	الزام آور، ارزشی	امری، خبری، استفهامی انکاری	«اعْبُدُوا اللَّهَ»، «مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»، «أَفَلَا تَتَّقُونَ»
اتهام صریح و مؤکد به پیامبر از سوی مخالفان ^۱	قطعی، تحقیرآمیز	خبری	«إِنَّا لَنَرَاكَ...»، «لَنُظُنُّكَ...»
نفی اتهام و اثبات رسالت بدون استفاده از کاربست تأکید ^۲	دفاعی، قاطع	خبری منفی و تأکیدی	«لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ»، «إِنِّي رَسُولٌ...»
تأکید بر نقش پیامبر به عنوان مبلغ و امین	اعلام مسئولیت	خبری توصیفی	«أَبْلَغُكُمْ...»، «أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ...»
تقیح تعجب از وحی و تذکر تاریخی	هشدارده نده، یادآوری کنند ه	استفهامی انکاری، امری	«أَوْعَجِبْتُمْ...»، «وَأَذْكُرُوا...»
مقاومت و طعن مشرکان در برابر دعوت پیامبر	تقابلی، چالش طلبانه	استفهامی انکاری، امری تهدیدآمیز	«أَحْسِنَّا...»، «فَأْتِنَا...»
وقوع عذاب، بی اساسی شرک، تهدید به مجازات	هشدار قاطعانه ^۳ ، زشت انگاری تهدید ^۴	خبری، استفهام انکاری، امری	«قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ...»، «أَتَجَادِلُونَنِي...»، «فَأَنْتَظِرُوا»
بیان سرنوشت نهایی مؤمنان و مکذبان	گزارشی، پندآموز	خبری روایی	«فَأَنْجِيْنَاهُ...»، «قَطَعْنَا دَابِرَهُ...»

^۱ قوم هود که به سنت بت پرستی خو گرفته بودند و بت‌ها را مقدس می‌شمردند، از سخنان انتقادی او شگفت زده شدند. چون در جامعه‌شان کسی جرأت مخالفت با باورهای رایج را نداشت، واکنش آنان همراه با تأکید لفظی هر چه بیشتر بود (یعنی با بکار بردن لام در "لنراک" و استعمال لفظ "ان" در "انا" و لام در "لنظنک"): هود را فردی نادان و سخنانش را نادرست دانستند و با تأکید بیشتر، او را به دروغگویی متهم کردن (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۸، ص ۱۷۷).

^۲ هود در پاسخ به تهمت سفاهت، بدون استفاده از تأکید سخن گفت؛ زیرا هم نمی‌خواست با مردم لجوج هم‌زبانی کند و هم می‌خواست نشان دهد که ادعای رسالتش آن قدر روشن است که نیازی به تأکید ندارد (همان، ۱۷۸).

^۳ تعبیر به فعل ماضی، برای این است که امر مورد انتظار را در حکم واقع شده قرار دهد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۹۶).

^۴ این عبارت، انکار و زشت انگاری و واکنش قوم است نسبت به انکارشان از آمدن هود (ع) به عنوان دعوت کننده به پرستش خدای یگانه و ترک عبادت بت‌هایی که پدرانشان می‌پرستیدند (همان، ۳۹۷).

این جدول به خوبی نشان می‌دهد که تنوع وجهیت‌ها و نوع جملات در خدمت شکل‌گیری یک گفتمان هشداردهنده، توحیدی و تقابلی است.

۲-۱-۳. تحلیل فرانش متنی

در سطح فرانش متنی، بندها و شیوه سازمان‌دهی آن‌ها بررسی می‌شود تا روشن گردد متن چگونه شکل گرفته است؛ به عبارت دیگر، مشخص می‌شود «چه چیزی» و «به چه شیوه‌ای» بیان شده و نویسنده یا گوینده چگونه مخاطب را در جهت درک روابط درونی متن هدایت کرده است. (حزی، ۱۳۸۸). فرانش متنی بر ساخته دو گروه از عوامل ساختاری و غیرساختاری است. عوامل ساختاری فرانش متنی مشتمل بر ساخت موضوعی (مبتدا-خبری) و ساخت اطلاعاتی (اطلاعات کهنه و اطلاعات نو) است و عوامل غیر ساختاری آن ناظر بر تمهیدات انسجामी به کار رفته در متن (شامل ارجاع، حذف، و جایگزینی، ربط و انسجام واژگانی) است (نبوی، مهاجر، ۱۳۷۶، ص. ۵۶).

ابزارهای انسجام متنی	خبر	مبتدا	بند
حرف ربط (و) ارجاع اسمی، ساختار ندا و گفتگو	أخاهم هودا / یا قوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره	و إلى عاد/ قال	وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقُومُ أَعْبُدُوا اللَّهَ...
تکرار ضمائر جمع، مقابله مفهومی سفاهت / کذب	إنا لنراك في سفاهة، وإنا لنظنك من الكاذبين	قال الملاء الذين كفروا	قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ...
مقابله معنایی، ضمیر متکلم	لیس بی سفاهة /، رسول من رب العالمین	قال یا قوم / ولکنی	قَالَ يَقُومُ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَّبِّ الْعَالَمِينَ
ضمیر تأکیدی، تکرار ساختار خبری	رسالات ربی / لکم ناصح أمین	أَبْلَغُكُمْ / أنا	أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ
ساختار گفتگو و تقابلی	أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم	أوعجتهم	أَوْعَجْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ...
پرسش انکاری، ارجاع به سنت نیاکان	أجئتنا لنعبد الله وحده...	قالوا	قَالُوا أَجِئْنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَخَدَّهُ وَنَدَّرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَاؤُنَا...

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رَجْسٌ وَعَصَبٌ أَنُجِدَلُونِي ...	قال	قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب ...	قد برای تحقق، مقابله پیامبر/ قوم، تکرار جدال
فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا ...	فأنجيناها والذين معه / قطعنا	برحمة منا / دابر الذين كذبوا	تقابل نجات/ هلاکت، او حالیه، ضمیر جمع

۲-۲. گفتگو: سوره هود/ آیات ۵۷-۵۰

۲-۱-۲. تحلیل فرانش اندیشگانی

بند	نوع فرایند	شرکت کنندگان	تحلیل اندیشگانی
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ...	کلامی / مادی	هود، قوم، الله	دعوت عملی به پرستش خدا؛ معرفی کنش تبلیغی پیامبر
يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ...	ذهنی	هود، قوم، اجر	کنش ذهنی منفی برای تاکید بر اخلاص پیامبر؛ ذکر عامل واقعی اجر (خدا)
وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ...	رفتاری / ذهنی	قوم، ربهم، خدا	کنش دوسویه میان انسان و خدا با هدف اصلاح و بازگشت معنوی
قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ ...	کلامی / مادی	قوم عاد، هود، بیئنه	انکار قوم با فرایند کلامی و تقابل در پاسخ دعوت
ما نحن بتاركي آلهتنا و ما نحن لك مؤمنين	رابطه‌ای / رابطه‌ای	قوم، هود	پاسخ مستقیم و قاطع قوم به پیامبر و نشان‌دهنده لجبازی و مقاومت فکری آنها
إِن نَّقُولُ إِلَّا أَعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ ...	ذهنی	قوم، هود، بعض آلتهتم، سوء	تهمت آسیب‌دیدگی پیامبر از سوی بت‌ها؛ بازنمایی ذهنیت خرافی قوم
إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ ...	کلامی / رابطه‌ای	هود، الله، قوم	بازنمایی موضع روشن هود؛ تاکید بر براءت
إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ...	ذهنی (باور/اعتماد)	هود، الله	بازنمایی اعتماد درونی به خداوند؛ فرآیند ذهنی مبتنی بر عقیده راسخ

فکیدونی جميعا فلا تنظرون	مادی / مادی	قوم، هود	نمایش کنش گفتاری تهدید در قالب شجاعت و اعتماد به خدا و اوج قدرت گفتمانی پیامبر.
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ...	رفتاری / کلامی	هود، قوم، پیام الهی	پیامبر وظیفه خود را انجام داده، قوم دست به رد و انکار زده است.

حضرت هود(ع) از فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی بهره می‌برد تا پیام توحید، بی‌نیازی از پاداش دنیوی و اتکای کامل به خدا را بازتاب دهد. در مقابل، قوم عاد با بهره‌گیری از فرایندهای ذهنی-رابطه‌ای، تلاش می‌کنند گفتمان پیامبر را به چالش بکشند. این تقابل، ساختار قدرت و معنا را در قالب زبان آشکار می‌سازد.

۲-۲-۲. تحلیل فرانش بینافردی

بند	نوع جمله	وجهیت	تحلیل بینافردی
قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ...	امری	الزام دینی	لحن ارشادی با جهت‌گیری توحیدی، آغاز تعامل دعوتی
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...	خبری	رد توقع	تاکید بر خلوص نیت پیامبر؛ تلاش برای اعتمادسازی مخاطب
اسْتَغْفِرُوا... تَوْبُوا... يُرْسِلِ السَّمَاءَ...	امری + خبری	وجهیت مشروط (اگر... آنگاه)	لحن توصیه‌ای با تکیه بر پیامد مثبت توبه؛ افتناع غیر مستقیم
قَالُوا... مَا جِئْنَا بِبَيِّنَةٍ...	خبری	نفی قاطع	تقابل با پیامبر، نوعی انکار و طرد گفتمان دعوت
إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ...	خبری	اتهام	زبان تخریبی؛ لحن توهین‌آمیز؛ تنزل مقام پیامبر به سطح جنون ^۱
إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا...	خبری و امری	اظهاری و الزام دینی با قاطعیت بالا	اعلام رسمی جدایی گفتمانی از مشرکان؛ تاکید بر موضع‌گیری صریح توحیدی
فکیدونی جميعا فلا تنظرون	امری	تحدی و مبارزه طلبی	رابطه‌ای چالشی و تهدیدی با مخاطب
إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ...	خبری	خبری-اعلامی با قاطعیت بالا	تقویت جایگاه گوینده با اتکا به خدا؛ تثبیت اقتدار اخلاقی پیامبر

^۱ قوم عاد ادعا کردند که هود پیش از دعوتش، به سبب آسیب دیدن از خداپانسان دچار جنون شده است. اما این سخن بی‌اساس و سفسطه‌آمیز است، زیرا اگر خداپانسان واقعاً قدرتمند بودند، چگونه ممکن بود کسی که به‌زعم آنان دیوانه و تحت تأثیر آن‌هاست، بر ضدشان قیام کند؟ (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ۲۸۰).

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ ...	شرطی + خبری	هشدار مشروط + قطعی	اتمام حجت، لحن نهایی و بی‌تعارف، پایان
---	----------------	-----------------------	---

سبک غالب هود در این آیات، ارشادی، صادقانه، قاطع و با استفاده از جملات امری، خبری و مشروط برای ایجاد اقناع دینی و اتمام حجت است. موضع قوم عاد، طرد، تقابل، تخریب شخصیت پیامبر با لحن طعن‌آمیز است. نوع تعامل هود از دعوت و نصیحت آغاز شده و به مرحله تقابل آشکار و سپس اتمام حجت می‌رسد. هود از دعوت کننده به گواه و هشداردهنده و قوم از مخاطب منفعل به طردکننده و متهم کننده تغییر نقش می‌دهند.

۲-۲-۳. تحلیل فرانشی متنی

بند	مبتداً	خبر	ابزارهای انسجام	تحلیل متنی
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ ...	وإلی عاد / قال	أخاهم هوداً. / اعدوا الله.	واو ربط، قید مکانی	آغاز متن جدید با موقعیت‌یابی گفتمانی؛ پیوست با داستان‌های انبیاء پیشین
يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ...	یا قوم	لا أسألكم عليه أجراً ...	خطاب مستقیم، ارجاع برون متنی ضمیر «کم»	شروع مستقیم گفت‌وگو با قوم برای انسجام گفتاری
وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ...	ویا قوم	استغفروا ربکم ...	واو ربط، تکرار «یا قوم»	تقویت انسجام از طریق تکرار و ادامه دعوت پیشین
قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا ...	قالوا	یا هود ما جئتنا ببينة	واو ربط، ضمیر ارجاعی برون متنی	پاسخ‌گویی قوم با تغییر در موضع ؛ پیوستگی تعاملی
إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ ...	إن نقول	إلا اعتراك بعض آلهتنا بسوء	ادات شرط و حصر «إن ... إلا»	تأکید بر انکار دال بر استمرار لحن تقابلی
إِنِّي أُنشِئُ اللَّهُ ...	إني	أشهد الله واشهدوا أنني بريء ...	ضمایر پی‌درپی، تکرار	انسجام درونی قوی با ضمایر ؛ تقابل معنایی با موضع مشرکان

انسجام معنوی از طریق تکرار ساختارهای قبلی؛ محوریت توحید	تکرار «إني»، و ضمائر برون متنی	توکلت علی الله ربی وربکم	إني	إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ...
اتمام انسجام گفتمانی؛	فاء نتیجه، شرطیه	فقد أبلغتکم...	فإن تولوا	فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ...

این آیات دارای ساختاری منسجم و هدفمند در سطح متنی هستند. آغاز با تم‌های نشاندار برای جلب توجه، تداوم با تکرار ارجاعات، و پایان با ساختار نتیجه‌محور، همگی نمایانگر یک نظام معنایی هماهنگ هستند.

۲-۳. گفتگو: سوره شعراء/۱۳۹-۱۲۳

۲-۳-۱. تحلیل فرآیند اندیشگانی

بند	نوع فرآیند	شرکت کنندگان	تحلیل اندیشگانی
إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُوْدٌ	کلامی	گوینده: هود؛ شنونده: قوم عاد	روایت آغازین با برجسته‌سازی نقش پیامبر به عنوان فرستاده
أَلَا تَتَّقُونَ	رفتاری	فاعل: مخاطبان	دعوت به پرهیزگاری؛ تلاشی ذهنی برای نفوذ معنوی
إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ	رابطه‌ای	با ویژگی امین رسول	تثبیت نقش پیامبر با استفاده از هویت رابطه‌ای
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا	رفتاری	فاعل: قوم، هدف: پرهیز از خدا و اطاعت	درخواست اجرای عملی از قوم با فعل‌های امری
أَتَيْتُونَا بِكُلِّ رِيعٍ آيَةٍ تَعْثُونَ	مادی	فاعل: قوم، هدف: آیه	نقد رفتارهای بیهوده عمرانی قوم عاد
وَتَسْحَدُونَ مَصَانِعَ...	مادی	فاعل: قوم، هدف: مصانع	اشراف‌گری قوم با انگیزه بقای دنیوی
وَإِذَا بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ	مادی	فاعل: قوم	توصیف ظلم و طغیان قوم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا	رفتاری	فاعل: مخاطبان	تکرار فرمان دعوت توحیدی
وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ...	مادی (کمک کردن)	فاعل: خدا، گیرنده: قوم، هدف: نعمت	اشاره به نعمت‌های الهی برای اقتناع مخاطب
أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ	مادی	فاعل: خدا، هدف: انعام و بینین	ادامه تبیین موهبت‌ها به عنوان دلیل اطاعت
إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	ذهنی	هود	ابراز ترس پیامبر، تحریک عاطفی قوم
قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ	کلامی + رابطه‌ای	گوینده: قوم	انکار کامل تأثیر موعظه با ساختار تقابلی
إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأُولِينَ	رابطه‌ای	حامل: این، ویژگی: خُلُقِ الاولین	بی‌اعتنایی قوم به پیام نوین: نسبت دادن به فرهنگ گذشته
وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ	رابطه‌ای	حامل: قوم، ویژگی: غیر معذب	انکار پیامدهای اخروی و تهدید پیامبر
فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ	رفتاری / مادی	کنش‌گران: قوم، هدف: پیامبر / خدا → قوم	اوج فرایند مادی: مقابله قوم و واکنش الهی (نابودی)

پیامبر با استفاده از فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای بر هویت دینی، مشروعیت رسالت و نیت خالص خود تأکید دارد. قوم با استفاده از فرایندهای رابطه‌ای و ذهنی-انکاری گفتمان پیامبر را با اسطوره‌ها و باورهای کهن جایگزین می‌کند. نکته برجسته دیگر آن است که خداوند در دو نقش ظاهر می‌شود: نعمت‌بخش (از طریق فرایندهای مادی مثبت و هلاک‌کننده) در فرایند مادی کیفری.

تحلیل بینافردی	وجهیت	نوع جمله	بند
جلب توجه به پیام وحی با استفاده از جایگاه عاطفی مشترک ^۱	صمیمانه با زمینه هشدار و دعوت	خبری	إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُوْدٌ. أَلَا تَتَّقُونَ
تأکید بر اعتمادسازی و مشروعیت پیامبر	وجه اطمینان	خبری تأکیدی	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
نشان دادن صداقت پیامبر و رفع شبهه	وجه انکار و نفی	خبری / نفی مطالبه	مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ مَا أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ
انتقاد غیرمستقیم از رفتار اشراف قوم عاد	وجه سرزنش	پرسشی - نکوهشی	أَتَنْتَوْنَ بكُلِّ رِيعٍ آيَةٍ تَعْبَثُونَ؟
زیر سوال بردن غرور و حب بقاء آنان	وجه تردید	پرسشی - استفهام انکاری	وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ
نکوهش ظلم اجتماعی	وجه شرطی	پرسشی - نکوهشی	"إِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ
فرمان پیامبرانه با اتکا به حق الهی	وجه الزامی	امری	إِتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
تأکید بر شناخت خداوند و تقوا	دعوت به مسئولیت‌پذیری	امری	"فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ".
یادآوری نعمت‌ها برای برانگیختن شکر	وجه امتنان	خبری	أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَ بَنِينَ
هشدار قاطع نسبت به عذاب الهی	وجه تهدید	امری - هشدار	إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ".
بی‌اعتنایی قوم عاد نسبت به دعوت هود	وجه طرد و بی‌تفاوتی	خبری	قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ!
کوچک شمردن پیام پیامبر، عقل‌گریزی ^۲	وجه تقلیل	خبری	مَا هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ
انکار نبوت و قیامت	وجه انکار	خبری	مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ
نشان دادن پایان کار تکذیب‌کنندگان	وجه تنبیه	خبری	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ

^۱ واژه «أخاهم» دارای بار عاطفی و نزدیکی است. بر پیامبر به مثابه یکی از خود قوم تأکید می‌کند نه فردی بیگانه (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص. ۱۵۵).

^۲ این دعوت به توحید و موعظه که تو بدان دست زده‌ای، جز همان عادت گذشتگان از اهل اساطیر و خرافات چیز دیگری نیست (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۵، ص.

در این آیات، گوینده در موضع اقتدار و حقانیت قرار دارد و مخاطب به مقاومت و انکار می‌پردازد که این تقابل، ساختار گفتمانی قوی و فضایی تنش‌آمیز را شکل می‌دهد. ابزارهای زبانی همچون جملات شرطی، فعل‌های امری، و توصیف‌های انتقادی به تقویت این رابطه کمک می‌کنند.

۲-۳-۳. تحلیل فرانش متنی

ویژگی‌های متنی	ابزار انسجام	خبر	مبتدا
آغاز داستان، ایجاد بستر روایی	ارجاع (اسمی) به قوم عاد و پیامبرشان	أَلَا تَتَّقُونَ	إِذْ قَالَ لَهُمُ أَحُوهُمْ هُوْدٌ
تکرار ساختار در آیات بعدی برای تاکید	استفاده از ضمیر "إني" برای انسجام	لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
شفاف‌سازی نیت پیامبر	واو عطف برای انسجام	إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ	وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ
انتقال به توصیف رفتار مخاطب	ارجاع برون متنی ضمائر و ساختار گفتگو	بِكُلِّ رِيحٍ آيَةٌ تَعْتَبُونَ	أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً
ساختار موازی با آیه قبلی	تکرار فعل با "واو" عطف	لَعَلَّكُمْ تَتَحَدَّثُونَ	وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ
حفظ پیوستگی از طریق تکرار ساختار	تاکید با تکرار فعل	بَطَّشْتُمْ جَبَّارِينَ	وَإِذَا بَطَّشْتُمْ
تاکید بر شناخت قبلی مخاطبان	ارجاع به نعمت‌های الهی و شناخت قبلی	الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ	وَاتَّقُوا
ادامه ساختار توضیحی	تکرار	بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ	أَمَدَّكُمْ
تقویت هشداری بودن پیام	ضمیر "إني" برای استمرار موضع	أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
تقابل متنی با پیامبر	مقابله گفتاری و ساختار گفتگو	سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تُكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ	قَالُوا
القای بی‌تفاوتی قوم عاد	ارجاع (هذا) به تعالیم و دعوت هود	إِلَّا خُلِقَ الْأَوَّلِينَ	إِنْ هَذَا
رد پیام با ساختار منفی	ارجاع ضمائر و استمرار موضع انکار	بِمُعَدِّبِينَ	وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّبِينَ
پایان‌بندی داستان با هلاکت	نتیجه‌گیری منطقی با "فاء"	فَأَهْلَكْنَاهُمْ	فَكَذَّبُوهُ

ساختار متنی آیات کاملاً هدفمند و منسجم است. هودبا استفاده از الگوهای تکرارشونده، ترکیب مبتدا و خبر و عناصر انسجام‌بخش زبانی، پیام خود را با شفافیت، به قوم خود منتقل می‌کند. موضوع جملات اغلب پیامبر و قوم را به عنوان عوامل

اصلی گفتمان معرفی می‌کنند. خبر بار اصلی پیام، نقد، هشدار و نتیجه‌گیری را بر دوش دارد. ضمن اینکه متن از نظر روایی، سیر منطقی و گام‌به‌گام دارد: معرفی پیامبر دعوت تذکر نعمت‌ها هشدار واکنش قوم عاقبت؛ استفاده فراوان از عطف‌ها (و، ف)، ضمیرها و تکرارهای ساختاری، باعث انسجام درون‌متنی بالا شده است.

۴-۲. گفتگو: سوره احقاف

۴-۲-۱. تحلیل فرآینش اندیشگانی

بند	نوع فرایند	شرکت کنندگان	تحلیل اندیشگانی
وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ	ذهنی / رفتاری	گوینده (خداوند)، مخاطب: پیامبر(ص)،	آیه دارای یک لایه از روایت تاریخی در قالب بازنمایی کنش هود، و یک لایه فراخطایی برای مخاطب (پیامبر اسلام و سپس همه مخاطبان قرآن) جهت تأمل در گذشته است.
قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَأَفَّكُنَا عَنْ پیامبر	کلامی / مادی / ذهنی	گوینده: قوم هود، مخاطب: هود / فاعل: هود / تجربه‌گر: هود	تقابل گفتمانی در پاسخ به دعوت
قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ	کلامی / رابطه‌ای	گوینده: هود / حامل: العلم، ویژگی عند الله	بازنمایی رابطه معرفتی بین علم و خداوند، تأکید بر محدودیت دانایی پیامبر
وَأَبْلَغُكُمْ مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ	کلامی / مادی	گوینده: هود، مخاطب: قوم / فاعل (فرستاده شد): هود	انتقال پیام الهی از فرستاده به قوم
ولكنی أراکم قوما تجهلون	ذهنی	تجربه‌گر: هود، مفعول: قوم	بازنمایی نوعی درک و قضاوت درونی پیامبر نسبت به قوم خود
فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ	رفتاری	رفتارگر: قوم عاد	تفسیر خطا از پدیده طبیعی (باد)
قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا	کلامی	گوینده: قوم عاد	بازنمایی رابطه ظاهری بین پدیده و انتظار مردم؛ تصور باران بجای عذاب

تُدْمَرُ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا	مادی	فاعل ضمنی: الريح، مفعول: كل شيء	بازنمایی قهر الهی در قالب کنش فعال با عامل غیرانسانی
فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ	ذهنی	حذف فاعل جهت عمومیت، پدیده: مساکنهم	بازنمایی یک ویرانی کامل و عبرت آموز که قوم رفته اند و تنها آثار زندگی شان به چشم می خورد.

این آیات از فشرده گی معنایی بالایی برخوردارند؛ زیرا به طور هم زمان روایت تاریخی، پند اخلاقی و توصیف طبیعی را در قالب شبکه ای از فرایندهای زبانی در هم می تند. همچنین، کاربرد گسترده ظرف های زمانی، مکانی و ابزاری—مانند «فأصبحوا»، «إذ»، «بالأحقاف» و «بأمر ربها»—باعث غنای معنایی و بازنمایی چندلایه از تجربه انسانی و امر الهی در متن شده است.

۲-۴-۲. تحلیل فرانش بینا فردی

بند	نوع جمله	وجهیت	تحلیل بینا فردی
وَأَذْكُرُ أَحَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ	امری	الزام (امر)	تاکید بر بازگویی تاریخ جهت عبرت مخاطب؛ نقش آموزشی/ارشادی برای امت
أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	نهی	الزام آور و عاطفی	فراخوان به کنش توحیدی و همزمان بیان اضطراب گوینده از عاقبت مخاطبان است.
قَالُوا أَجِئْنَا لِنُفَكِّنَا عَنْ آلِهَتِنَا؟	پرسشی	اتهامی	ادعای تهدید ارزش های دینی قوم توسط پیامبر
فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ	امری- شرطی	تردید و شرطگذاری	گوینده (قوم) صداقت پیامبر را زیر سؤال می برد و در واقع، با «وجه شرطی» مشروعیت گفتار پیامبر را نفی می کند.
قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ	خبری	قطعیت بالا	پاسخ قاطع و تعیین کننده؛ استناد به مرجع نهایی (خداوند) برای کاهش تقابل
وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ	خبری	بدون شک یا احتمال، رسمی	پیامبر در مقام فرستاده، بیانگر وظیفه و جایگاه ارتباطی خود است.
فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا... قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّطْرِنَا	خبری	وجهیت بالا و قاطعیت	داوری اشتباه و خوش بینی کاذب نسبت به واقعیت تهدید آمیز پیش رو
تُدْمَرُ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا	خبری	قطعیت کامل	بیان قدرت مطلق خداوند؛ هشدار شدید با وجه قطعی برای ایجاد ترس و عبرت

تصویر نهایی نابودی همراه با القای ترس ^۱	داوری نهایی	خبری	فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ
--	-------------	------	--

گفتگوی میان پیامبر و قوم در بستری شکل گرفته است که در آن، محور اصلی تعامل، اقتدار معرفتی پیامبر در برابر انکار جاهلانه قوم قرار دارد. در این تقابل، وجهیت سخن پیامبر و نیز بیان الهی در بالاترین سطح قطعیت جلوه گر است؛ در مقابل، وجهیت قوم حالتی چالشی و انکاری دارد و از سر مقاومت و تمسخر بیان می‌شود. حاصل این تقابل، روابطی آشکارا نامتقارن است؛ به گونه‌ای که در پایان، اقتدار معرفتی پیامبر و اراده مطلق خداوند تثبیت می‌شود و انکار و سرکشی قوم با نابودی و بی‌اعتباری آنان خاتمه می‌یابد.

۲-۴-۳. تحلیل فرانش متنی

برآیند تحلیل‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی درباره گفت‌وگوهای حضرت هود(ع) با قوم عاد در سوره‌های اعراف، هود، شعراء و احقاف، ما را به ترسیمی منسجم از فضای ساختاری این بخش‌ها رهنمون می‌سازد.

تحلیل متنی	ابزارهای انسجام	خبر	مبتدا	بند
ساختار مقدماتی برای برجسته‌سازی دعوت هود؛ پیوستگی با آیات پیشین	«واو» ربط، «اذ» ظرف زمان، ارجاع به گذشته	إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ	واذکر أخا عاد	وَأَذْكَرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ
ساختار پرسشی؛ لحن طردکننده و تعامل تقابلی	ارجاع برون متنی)، فعل «قالوا» که نشانگر ساختار گفتگومحور است.	أَجِئْنَا لِتَأْفِكِنَا...؟	قالوا	قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَأْفِكِنَا...؟
آغاز موضع‌گیری گوینده با قطعیت؛	تکرار قال،	إنما العلم عند الله...	قال	قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ...

^۱ خطاب در جمله "لا تری" متوجه کسی است که در آن زمان توانایی دیدن دارد، تا حالت شگفت‌انگیز نابودی آنان را کاملاً به تصویر بکشد؛ به گونه‌ای که گویا آیه در همان لحظه وقوع این حادثه (نابودی قوم) نازل شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۴۳). آیه به قدری زنده و ملموس نابودی قوم را به تصویر می‌کشد که مخاطب احساس می‌کند در صحنه حضور دارد.

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا...	فلما رأوه عارضًا...	قالوا هذا عارضٌ ممطرنا	«فاء» نتیجه، «لما» زمان، «قالوا» تکرار	ترکیب توالی زمانی و تقابلی
تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا	تُدَمِّرُ رَبِّهَا	کل شیء بامر ربها	پیوستگی با جمله قبل در توصیف طوفان	انسجام معنایی از طریق ارجاع به عذاب قبلی
فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ	فأصبحوا مَسَاكِينَهُمْ	لا يَرَى إِلَّا مساكينهم	«فاء» نتیجه، و ارجاع درون متنی ضمیر(هم)	پایان‌بندی تصویری و عبرت‌انگیز برای مخاطب

بررسی این آیات نشانگر ساختاری زبانی منسجم، هدفمند و بلاغی است که به‌طور یکپارچه روایت تاریخی، دعوت الهی و واکنش‌های قوم را به تصویر می‌کشد. این آیات با بهره‌گیری از ترکیب‌های خبری و امری، و به‌کارگیری ساختارهایی متقارن و موازی، نه تنها پیام هود(ع) را انتقال می‌دهند، بلکه فضای گفت‌وگو، چالش، و در نهایت هلاکت قوم را نیز به‌شکلی مؤثر بازنمایی می‌کنند.

در آغاز هر مقطع، پیامبر با تعبیری ثابت و تکرارشونده معرفی می‌شود: «وإلى عادِ أخاهم هوداً» (اعراف: ۶۵؛ هود: ۵۰)، «أذکر أخوا عادٍ. إذ أنذَرَ قومه بالأحقاف» (احقاف: ۲۱) جمله‌ای که ابتدا اشاره مکانی دارد و سپس پیامبری را در نسبت قومی و نه صرفاً شخصی معرفی می‌کند. به دنبال آن، خطاب مستقیم پیامبر به قوم با فعل‌هایی نظیر «قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره» (اعراف: ۶۵، هود: ۵۰) و «ألا تعبدوا إلا الله» (أحقاف: ۲۲) آغاز می‌شود که از نظر بلاغی ساختاری دعوتی با وجه امری دارد و با تأکید بر توحید، اساس پیام را در همان ابتدا آشکار می‌سازد.

استفاده از افعال در زمان‌های مختلف در این آیات، بازتاب‌دهنده سطوح گوناگون معنایی است: فعل‌های ماضی نظیر «كذبوا»، «أهلکناهم»، «استعجلتُم» برای بازگویی روایت تاریخی و تأکید بر گذشته گناه‌آلود قوم به کار می‌روند؛ افعال مضارع نظیر «تتفون»، «تبنون»، «تعثون»، «تتخذون» برای نقد رفتار حال و زنده نگاه داشتن پیام اخلاقی در ذهن مخاطب است؛ و افعال دستوری مانند «اعبدوا»، «اتقوا»، «أطیعون» نشان‌دهنده دعوت مستقیم و مؤثر هود(ع) به اصلاح مسیر قوم‌اند. این تنوع زمانی نه فقط جنبه روایت را غنا می‌بخشد، بلکه از منظر بلاغی، پیام را در امتداد گذشته، حال و آینده تداوم می‌بخشد.

از نظر واژگان، نظام معنایی آیات از طریق همنشینی واژگان دوقطبی و متضاد ساخته شده است. مفاهیمی چون «اتقوا» و «كذبوا»، «أطیعون» و «استکبروا»، «رسول أمين» و «ما كانوا مؤمنين» در کنار هم شبکه‌ای از معنا را شکل می‌دهند که در آن، رابطه بین دعوت و انکار، هدایت و طغیان، و رسالت و استهزا برجسته می‌شود. این واژگان نه تنها از منظر معنایی، بلکه از نظر آهنگ کلام و تأثیر عاطفی نیز نقشی جدی ایفا می‌کنند.

در آیات مورد نظر، ساختار بلاغی با استفاده از عناصر پرسشی و انکاری به اوج می‌رسد. مثال بارز آن را می‌توان در شعراء دید، آنجا که هود(ع) خطاب به قوم می‌گوید: «أَتَبْنُون بَکَل رِیْعَ آیَةِ تَعْبَثُونَ» (۱۲۸)، یا «وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلَدُونَ» (۱۲۹)، که در قالب استفهام انکاری، نه تنها رفتار قوم را نقد می‌کند بلکه با آن‌ها درگیر می‌شود و بار عاطفی و تحقیرآمیز دارد.

تکرار عبارتهایی چون «إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» و «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا»، «إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ» که در سوره شعراء و احقاف و با نظمی آهنگین و موازی تکرار می‌شوند، هم انسجام درونی روایت را حفظ می‌کنند و هم نوعی ریتم و موسیقی معنایی به متن می‌بخشند. این تکرارها نه از سر تکرار لفظی، بلکه برای تأکید بر محوری‌ترین پیام رسالت است که در لایه‌های مختلف روایت حضور دارد.

از نظر فضا سازی، این آیات با بهره‌گیری از ظرف‌های زمانی و مکانی مشخص، صحنه روایت را ملموس و عینی می‌سازند. عباراتی همچون «بِالْأَحْقَافِ»، «مَسْتَقْبَلِ أَوْدِیْتِهِمْ»، «دِیَارِهِمْ» به توصیف جغرافیایی قوم عاد کمک می‌کنند، در حالی که ظرف‌های زمانی چون «إِذْ أَنْذَرْنَاهُمْ»، «فَأَصْبَحُوا»، «یَوْمَ عَظِیمٍ» نوعی حرکت زمانی را وارد روایت می‌کنند و حرکت وقایع را از دعوت تا هلاکت نمایان می‌سازند. همچنین، ظرف‌های ابزاری مانند «بِأَمْرِ رَبِّهَا» و «بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» دلالت بر عاملیت الهی در تحقق نتیجه و نقش اعمال قوم در سرنوشت‌شان دارد.

در سطح انسجامی، حروف ربطی همچون فاء، واو، ثم و حروف شرطی نظیر إن، لکن، و ضمائر متعدد مانند «لَکُمْ»، «هَمْ»، «نَا» سازوکارهای پیوند معنایی و دستوری اجزای متن را فراهم می‌کنند. این عناصر باعث می‌شوند ارتباط درون‌جمله‌ای و بین‌جمله‌ای در متن حفظ شود و پیام به صورت پیوسته و روان منتقل گردد.

در مجموع، ساختار زبانی این آیات نه تنها حامل پیام‌های تاریخی، اخلاقی و الهی است، بلکه از طریق بهره‌گیری از امکانات نحوی، صرفی، بلاغی و واژگانی، تجربه‌ای زبانی و معنایی یکپارچه خلق می‌کند. این ساختار زبانی به گونه‌ای طراحی شده که پیامبر در موضع صداقت و امانت، و قوم در موضع استکبار و انکار قرار می‌گیرند، و نتیجه نهایی - یعنی هلاکت عاد - به شکلی طبیعی و عبرت‌آموز در پایان هر بخش پدیدار می‌شود.

۳. تحلیل فضای معنایی - ارزشی گفتگوهای هود(ع)

در بررسی فضای معنایی و ارزشی آیات مربوط به قوم عاد در چهار سوره اعراف (۶۵-۷۲)، هود (۵۰-۵۷)، شعرا (۱۲۴-۱۳۹) و احقاف (۲۱-۲۵)، با پیکره‌ای مواجه هستیم که از منظر تحلیل گفتمان انتقادی به‌ویژه با الگوی مربع ایدئولوژیک ون‌دایک، دو گفتمان متقابل را به صورت آشکار بازنمایی می‌کند: گفتمان توحیدی هود(ع) از یک سو و گفتمان قدرت‌محور و مشرکانه قوم عاد از سوی دیگر. این دو قطب در یک نبرد معنایی و ارزشی، هر یک در تلاش‌اند تا مشروعیت معنایی خود را تثبیت کرده و گفتمان رقیب را بی‌اعتبار سازند.

از سوی هود(ع)، دعوت به توحید، پرهیز از طغیان، بازگشت به فطرت، و ایمان به خدای یکتا در قالب ساختارهای زبانی ای چون ندهای مستقیم، ارجاع به خالق، انکار منافع شخصی، و تأکید بر حقانیت پیام، بازنمایی می‌شود. نمونه‌ای از این جهت‌گیری مثبت، در آیه ۶۵ سوره اعراف دیده می‌شود: «اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» که ساختاری دعوتی و انکار مطلق و بدون تردید دارد و مخاطب را مستقیماً با حقیقت یکتاپرستی روبه‌رو می‌سازد. آیه «اغْبُدُوا اللَّهَ» فعل امر، با مخاطب جمع، خطاب مستقیم و بدون واسطه به مردم است. این ساختار، هم بار بلاغی بالا دارد (فرمان قطعی)، و هم موقعیت‌گوینده را تثبیت می‌کند؛ گوینده کسی است که حق دارد امر کند، پس یا باید قدرت داشته باشد یا مشروعیت (در این‌جا مشروعیت پیامبر از طرف خدا). و در بخش «مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» با استفاده از انکار مطلق (ما... من) حکمی قاطع و غیرقابل تردید ارائه می‌دهد: «هیچ معبودی جز او برای شما وجود ندارد». این جمله نه تنها اثبات توحید است، بلکه نفی کامل مشروعیت تمام گفتمان‌های دینی و فرهنگی رقیب نیز هست.

در ادامه، هود(ع) در آیه «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعراء: ۱۲۵)، با تأکید بر دو عنصر کلیدی «رسول» و «امین»، هویت خود را به‌مثابه یک شخصیت مشروع، راستگو و شایسته‌ی اعتماد تثبیت می‌کند. این جمله، کوتاه که با ساختار تأکیدی آغاز می‌شود (إِنِّي)، برای تقویت اعتماد مخاطب و دفع شبهه‌ها و اتهامات و بازسازی تصویر مثبت گفتمان وحی طراحی شده است.

در کنار این، پیامبر به‌صراحت از قوم خود برائت می‌جوید و خود را از مناسبات شرک‌آلود آنان جدا می‌سازد: «إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوْا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (هود: ۵۴). این موضع‌گیری، گسست ایدئولوژیک کامل میان دو قطب گفتمانی را نشان می‌دهد: هود(ع) به عنوان چهره‌ای استوار و پایدار، نه تنها مخاطب گفتمان معارض را نقد می‌کند، بلکه از نظر هویتی نیز خود را به کلی مستقل از آنان می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۰، ص ۳۰۱).

در مقابل، گفتمان قوم عاد، که مبتنی بر حفظ قدرت، دفاع از سنت‌های قومی و رد نبوت است، در تلاشی گسترده می‌کوشد چهره پیامبر را تخریب کند و مخاطب را نسبت به صداقت او بدبین سازد. این گفتمان، از راهبردهای زبانی متعددی بهره می‌برد، از جمله نسبت دادن افتراء به پیامبر که او را در جایگاه یک فریبکار قرار می‌دهند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (اعراف: ۶۹)، انکار مشروعیت و صداقت هود(ع) «يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ» (هود: ۵۳) یا نسبت دادن جنون که نه تنها هود(ع) را از حیطة گفت‌وگوی عقلانی خارج می‌سازد، بلکه مشروعیت گفتمان توحیدی را زیر سؤال می‌برد. «إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ» (هود: ۵۴). این موارد، به وضوح نمایانگر استفاده از تاکتیک‌های گفتمانی چون برجسب‌زنی، تمسخر، تحقیر و تخریب شخصیت هستند که برای کاهش اعتبار گفتمان هود(ع) به کار می‌روند.

از سوی دیگر، قوم عاد با تأکید بر میراث نیاکان و سنت‌های بومی، خود را در موضع عقلانیت و ثبات می‌بیند و پیامبر را در جایگاه انحراف و بدعت‌گذاری قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه «مَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ» (هود: ۵۳) در اینجا، گفتمان قومی با تکیه بر سنت به‌عنوان ابزار مشروعیت‌بخش، خود را در جایگاه اقتدار تاریخی تعریف می‌کند و پیامبر را عنصری گسسته از بافت فرهنگی جامعه می‌نمایاند که نیاکانش را سفیه و بی‌خرد می‌داند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۶۰).

در سوره احقاف، این تقابل به نقطه اوج می‌رسد؛ جایی که قوم، علائم عذاب را نیز به خطا تأویل کرده و نشانه‌های الهی را نشانه رحمت می‌پندارند: «قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطَرًا» (احقاف: ۲۴) در حالی که پاسخ وحی این است: «بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ». اینجا شکاف معنایی دو گفتمان به اوج می‌رسد: گفتمان وحی نشانه را هشدار می‌بیند، و گفتمان قومی آن را رحمت؛ گفتمان وحی در پی بیداری است، در حالی که گفتمان معارض در خواب خوش استدلال‌های خویش فرو رفته است.

بدین ترتیب، تحلیل این جهت‌گیری‌های گفتمانی نشان می‌دهد که فضای معنایی و ارزشی این آیات، صحنه برخورد دو نظام ارزشی است: یکی توحیدی، مبتنی بر صداقت، هدایت، توکل، و خلوص؛ و دیگری مشرکانه، مبتنی بر انکار، تحقیر، تمسخر، و سلطه‌گرایی. گفتمان قرآن، با برجسته‌سازی صفات پیامبران، به تقویت سوژه مؤمن می‌پردازد و هم‌زمان با افشای تاکتیک‌های زبانی قوم مشرک، گفتمان سلطه را بی‌پرده افشا می‌کند. در این میدان تقابل، مربع ایدئولوژیک ون‌دایک - که بر محور «ما خوبیم / آنها بدند» عمل می‌کند - نه تنها در حوزه واژگان، بلکه در بافت معنایی و کارکرد بلاغی کل ساختار آیات، جاری و قابل ردیابی است.

۴. تحلیل فضای گفتمانی گفتگوهای حضرت هود

قوم عاد مردمی بودند که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند؛ از نظر قدرت جسمانی و ثروت سرشاری که از طریق کشاورزی و دامداری به آنها می‌رسید، ملتی نیرومند و قوی بودند، ولی انحرافات عقیده‌ای، مخصوصاً بت پرستی و مفساد اخلاقی در میان آنها غوغا می‌کرد (رضوی، بی تا، ص. ۵۰).

فضای گفتمانی روایت حضرت هود(ع) در بستری از رفاه مادی، قدرت فیزیکی و غرور جمعی قوم عاد شکل گرفته بود. قوم عاد - ساکن منطقه احقاف -، دارای افرادی تنومند، بلند قامت و نیرومند بودند، از این رو به عنوان جنگجویانی زبده محسوب می‌شدند و از جهت تمدن نیز ظاهری پیشرفته داشتند، شهرهایی آباد و زمین‌های خرم و سرسبز و کاخ‌های عظیم و باغ‌های فراوان داشتند. آنان مردمی ثروتمند و قوی هیکل و طویل‌العمر بودند که ثروت بسیار و درآمد سرشار داشتند. نیروی جسمانی آنان به حدی بود که قطعات بزرگ سنگ از کوه را جدا می‌کردند و به صورت ستون و پایه در زمین نصب می‌کردند و نخله‌های خرما تشبیه کرده اند و عمرهای معمولی آنان را بین چهارصد تا پانصد سال نوشته‌اند. ثروت بسیار و عمرهای طولانی و نیروی زیاد، بیشتر آنان را به غفلت و بی‌خبری و ظلم طغیان‌کشنده بود، تا آنجا که بنابر فرموده قرآن کریم، کسی را نیرومندتر از خود نمی‌شناختند و می‌گفتند «کیست که از ما نیرومندتر باشد آیا نمی‌دیدند آن خدایی که آنان را آفرید. نیرومندتر از آنان بود» (فصلت: ۱۵). از آیات قرآن کریم و سرزنش هود(ع) مشخص می‌شود که قوم عاد چه اعمالی داشتند از جمله این که در جاهای مرتفع و بلند و در قله‌های کوه بناها و ساختمان‌هایی بنا می‌کردند بدون اینکه احتیاجی به آن ساختمان داشته باشند و ظاهراً صرفاً به خاطر فخر فروشی بر دیگران یا تفریح کردن آنان را می‌ساختند و از این رو هود(ع) در مقام سرزنش

می گوید: «هر جای بلندی که می رسید، بیهود ساختمانی برای نشانه بنا می کنید» (شعراء: ۱۲۸). ولی انحرافات عقیده ای، مخصوصاً بت پرستی و مفسد اخلاقی در میان آنها غوغا می کرد (رضوی، بی تا، ص. ۴۹).

در جامعه قوم عاد، قدرت در دست گروهی از اشراف بود که با ساختن بناهای بزرگ و داشتن نیروهای نظامی قوی، هویت جمعی مردم را بر اساس قدرت و برتری جسمی تعریف می کردند. در چنین شرایطی، پیام حضرت هود که بر توحید، عدالت و ترک بت پرستی تأکید داشت، به عنوان صدایی متفاوت وارد شد و پایه های ارزش های جامعه را به چالش کشید. او مردم را دعوت می کرد تا هویت خود را بر اساس بندگی خداوند بسازند و هشدار می داد که اتکا به قدرت مادی نمی تواند همیشگی بماند. در واقع، دو دیدگاه مقابل هم قرار گرفتند: یکی «غرور و خودبزرگ بینی مردم» و دیگری «بندگی خداوند، و برابری همه انسان ها».

مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۶، ص. ۲۷۳) معتقد است شاید تعبیر به «برادر» در مورد حضرت هود و همچنین در مورد چند نفر از پیامبران الهی مانند نوح، صالح، لوط و شعیب در آیه ۶۵ سوره اعراف، افزون بر بعد عاطفی حاکی از یک نوع برابری و نفی هرگونه تفوق طلبی و ریاست طلبی است.

اما مردم عاد که به موفقیت های خود در زندگی و تمدنشان افتخار می کردند، فکر می کردند که هیچ بلایی نمی تواند آنها را شکست دهد و همین باعث شد که مقاومت شان در برابر پیام هود بیشتر شود. در چنین شرایطی، قدرت فقط مربوط به ثروت یا نیروهای نظامی نبود، بلکه نشانه ای از اعتبار رهبران و یکپارچگی مردم بود. پذیرش پیام هود یعنی قبول این که باید بخشی از قدرت خود را کنار بگذارند و خدا را به عنوان مرجع اصلی قبول کنند. به همین دلیل مخالفت با پیامبر فقط یک اختلاف عقیده نبود، بلکه مقابله با تهدیدی جدی برای نظم و ساختار جامعه شان بود. قرآن هم به سرنوشت قوم عاد اشاره می کند و می گوید که تکیه فقط بر قدرت مادی و بی توجهی به عدالت و بندگی خدا در نهایت باعث سقوط و نابودی می شود (هود: ۶۰-۵۰).

۵. تحلیل فضای فراگفتمانی گفتگوهای حضرت هود(ع)

براساس فضای فراگفتمانی، رسالت هود(ع) در قرآن بر دو محور شکل گرفت: نخست، نقد ذهنیت عمرانی قوم که شکوه معماری را با جاودانگی یکی می پنداشتند؛ و دوم، یادآوری جایگاه تاریخی آنان به عنوان وارثان قوم نوح و حاملان مسئولیتی الهی.

۵-۱. لایه تمدنی-عمرانی

قوم عاد به عنوان یکی از پرشکوه ترین اقوام شبه جزیره، در معماری و عمران شهرها دستاوردهای چشمگیری داشتند. آیات قرآن به این نکته اشاره می کنند که آنان در بلندی ها نشانه ها و بناهایی می ساختند، قصرها و صنایع عظیم بر پا می کردند و گمان

می‌بردند این شکوه و قدرت عمرانی برای آنان جاودانگی به ارمغان می‌آورد: «أَتَبْنُونَ بَكْلَ رِبْعِ آيَةِ تَعْبُوثٍ . وَتَتَخَذُونَ مِصْنَعِ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» (شعراء: ۱۲۸-۱۲۹). در نگاه آنان، ساخت‌وسازهای باشکوه، نماد اقتدار و نشانه برتری قومی بود.

اما هود(ع) این ذهنیت را به چالش کشید. او یادآوری کرد که بناهای بزرگ و ابزارهای صنعتی، اگر در خدمت ارزش‌های توحیدی قرار نگیرند، جز نشانه‌ای از غرور و خودنمایی نخواهند بود «وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» (شعراء: ۱۳۰-۱۳۱). از منظر فراگفتمانی، این تقابل فراتر از نزاعی تاریخی است؛ زیرا نشان می‌دهد که همواره دو نوع تمدن در برابر یکدیگر قرار دارند: تمدنی که بر اساس خودبسندگی و غرور مادی شکل می‌گیرد و میراث خویش را در سنگ و آهن جست‌وجو می‌کند، و تمدنی که بر پایه ایمان، اخلاق و عبودیت بنا می‌شود و ماندگاری حقیقی را در پیوند با خدا می‌بیند.

به این ترتیب، روایت قرآن از قوم عاد، هشدار دائمی به همه جوامع است: اگر تمدن بر پایه قدرت مادی و غرور عمرانی استوار شود، دیر یا زود در برابر نیروی فراتر از اراده انسان فرومی‌پاشد؛ اما تمدنی که بر توحید و عدالت بنا گردد، حتی اگر از شکوه ظاهری کمتری برخوردار باشد، ریشه‌ای ماندگار خواهد یافت.

۵-۲. لایه تاریخ‌مندی - معرفتی

هود(ع) قوم عاد را به بازخوانی تاریخ پیشینیان فراخواند و یادآور شد که آنان خلیفه زمین پس از قوم نوح بودند و خداوند نعمت‌ها و گستردگی در آفرینش را به ایشان ارزانی داشته است: «وَأَذَكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً» (اعراف: ۶۹). هدف هود(ع) از این یادآوری، ارائه چارچوبی معرفتی بود تا قومش جایگاه خود در تاریخ و نسبت خویش با مشروعیت الهی را دریابند.

از منظر فراگفتمانی، این لایه نشان می‌دهد که پیامبران نه صرفاً برای هشدار فردی، بلکه برای آموزش تاریخی و هدایت جمعی فعالیت می‌کنند. تاریخ به مثابه آینه‌ای برای شناخت مسیر درست و سنجش پیام‌های الهی عمل می‌کند و هویت اجتماعی و اخلاقی قوم را به آن پیوند می‌زند.

اما قوم عاد این هشدار تاریخی را به تمسخر گرفتند و تاریخ را تنها میراث گذشتگان دانستند: «إِنْ هَذَا إِلَّا خَلْقُ الْأَوَّلِينَ» (شعراء: ۱۳۷). این نگاه، نوعی مقاومت معرفتی و تاریخی در برابر گفتمان وحیانه بود؛ یعنی نادیده گرفتن درس‌ها و تجربه‌های گذشتگان و پافشاری بر باورها و سنت‌های خودساخته.

در این سطح، نزاع میان هود و قوم، نزاع میان گفتمانی که تاریخ را برای هدایت انسان به کار می‌گیرد و گفتمانی که آن را به ابزاری برای توجیه غرور و بی‌توجهی به وحی تبدیل می‌کند.

۵-۳. لایه اجتماعی - طبقاتی

جامعه عاد نیز مانند جامعه حضرت نوح(ع)، ساختاری طبقاتی داشت. در رأس آن، «ملاً یا اشراف» قرار داشتند؛ کسانی که معیار منزلت انسانی را بر پایه نسب و دارایی می‌سنجیدند. هنگامی که هود(ع) پیام توحیدی خویش را آشکار کرد، اشراف آن را نه یک دعوت دینی، بلکه تهدیدی مستقیم برای امتیازات اجتماعی و اقتصادی خود دیدند. از همین رو، با اتهام‌هایی همچون «سفاهت» و «کذب» به تخریب شخصیت او پرداختند: «قال الملاً الذین کفروا من قومه إنا لنراک فی سفاهة وإنا لنظنک من الکاذبین» (اعراف: ۶۶-۶۷).

از منظر فراگفتمانی، این بخش از روایت بیانگر آن است که ایمان در مقام یک نیروی اجتماعی تازه ظاهر می‌شود؛ نیرویی که می‌خواهد جایگزین معیارهای سنتی قدرت شود. ایمان، دیگر نه صرفاً یک باور درونی، بلکه «ارزش اجتماعی جدیدی» است که معیاری برای سنجش منزلت انسان‌ها در برابر خداوند معرفی می‌کند.

این بازتعریف ارزش‌های اجتماعی، ویژگی مشترک همه رسالت‌های انبیاء است. پیامبران با دعوت خود، ساختارهای فرسوده قدرت را به چالش می‌کشند و جامعه را به سوی معیاری برتر فرا می‌خوانند. در نتیجه، مخالفت اشراف عاد نه تنها یک واکنش عقیدتی، بلکه مقاومت در برابر دگرگونی نظم اجتماعی-طبقاتی بود.

این سه لایه نشان می‌دهند که تقابل هود و قوم، یک رویارویی با تمدنی مغرور، تاریخی فراموش‌کار و ساختاری طبقاتی بود؛ الگویی که در همه رسالت‌های پیامبران تکرار می‌شود.

نتیجه‌گیری

در تحلیل فضای ساختاری مشخص شد که ساختارهای دستوری و بلاغی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تقویت گفتمان میان پیامبران و کفار ایفا می‌کنند. این ساختارها شامل انتخاب دقیق نوع افعال، نوع جمله، چینش کلمات در جمله، گزینش واژگان متناسب با هدف می‌باشد. علاوه بر این، نحوه به‌کارگیری ساختارهای انکاری، توییحی، تهدیدی، دستوری و عاطفی به صورت سنجیده، و ابزارهای بلاغی مانند تکرار، تضاد و تقابل‌های معنایی و استعاره در تولید و تقویت معنا نیز نقش دارد.

در تحلیل معنایی-ارزشی، در تحلیل معنایی-ارزشی گفتگوهای پیامبران و اقوام کافر، مشاهده می‌شود که هر یک از طرفین به‌طور هدفمند در پی تقویت هویت و اعتبار گفتمان «خودی» و تضعیف و بی‌اعتبارسازی گفتمان «دیگری» است. در سوی دیگر، اقوام کافر نیز با بهره‌گیری از راهبردهای معنایی و بلاغی گوناگون، از جمله تحقیر، برجسب‌گذاری (مانند متهم کردن پیامبران به سحر یا جنون)، و طرح پرسش‌های طعنه‌آمیز یا انکاری، می‌کوشند جایگاه گفتمانی پیامبران را تضعیف کنند و هویت و پیام آنان را در ذهن مخاطبان بی‌اعتبار سازند.

به بیان دیگر، تقابل معنایی این گفت‌وگوها مبتنی بر راهبردی دو سویه است: هر طرف در پی برجسته‌سازی ارزش‌ها، مشروعیت و انسجام گفتمان خودی و هم‌زمان به حاشیه راندن، مخدوش‌سازی گفتمان دیگری است. این فرآیند از رهگذر انتخاب هوشمندانه ساخت‌های زبانی، نحوی و بلاغی در متن قرآن جریان می‌یابد.

از منظر تحلیل ارتباطی، تقابل‌های گفتمانی میان پیامبران و اقوام کافرشان که پیش‌تر در سطوح ساختاری و معنایی بازتاب یافته‌اند، در بستر بینامتنیت خرد با روایت سایر انبیاء، به صورت شبکه‌ای گسترده و به هم پیوسته در سراسر متن قرآن سازمان می‌یابند؛ گویی حلقه‌های زنجیری هستند که هر یک به دیگری متصل است. این پیوند نه تنها محدود به مشابتهای مضمونی یا تکرار روایی نیست، بلکه شامل ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم مفهومی، تکرار الگوهای زبانی، و استمرار الگوهای بلاغی مشترک می‌شود.

در چارچوب تحلیل فضای گفتمانی، روشن می‌شود که هرچند همه پیامبران بر محور گفتمان واحد «توحیدی و وحیانی» استوارند، اما با توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زمان و مکان بعثت خویش، حامل گفتمان‌های فرعی و اختصاصی هستند که به‌طور مستقیم از همان بسترها تأثیر می‌پذیرند و می‌توانند در بازتولید گفتمان‌های آن مؤثر باشند.

لایه دیگری از این شبکه معنایی، فرآیند تضادی است. ساختار معنا در قرآن بر پایه تقابل‌های دوتایی شکل می‌گیرد؛ تقابل‌هایی چون ایمان/کفر، حق/باطل، توحید/شرک و هدایت/ضلالت. این تقابل‌ها نه صرفاً در سطح نظری، بلکه در میدان کنش‌های زبانی و رفتاری نمود می‌یابند. پیامبران با عرضه گفتمان الهی، سویه‌ای از معنا را تثبیت می‌کنند و کافران با واکنش‌های منفی خویش، سویه متضاد آن را برجسته می‌سازند. بدین ترتیب، هر مخاطبه قرآنی عملاً به میدان تقابل دو نقشه معنایی رقیب تبدیل می‌شود.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که نقشه معنایی قرآن در گفتگوهای انبیاء و کافران، محصول هم‌افزایی چند سازوکار است: روایت‌پردازی، سلسله‌مراتبی بودن، تضادهای دوتایی و در نهایت برجسته‌سازی در برابر حاشیه‌رانی. این چهار فرآیند در کنار یکدیگر، نه تنها چارچوب گفتمان قرآنی را می‌سازند، بلکه به تثبیت نهایی گفتمان توحید و حق در برابر گفتمان شرک و باطل می‌انجامند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان از هر گونه جعل و سرقت علمی و هر گونه سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع را تأیید می‌کنند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول به عنوان استاد راهنما در مفهوم‌سازی و تدوین مقاله و نسخه‌های بعدی آن اعم از نسخه‌ی بازبینی‌شده و ویرایش‌شده مشارکت داشته است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

حمایت مالی از این پژوهش از طرف دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی در قالب پژوهانه‌ی پایان‌نامه دانشجویی نویسنده دوم و همچنین پژوهانه‌ی برای سایر نویسندگان انجام شده است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به خاطر حمایت معنوی و مالی پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظریه‌های ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

در فهرست منابع: نام خانوادگی پژوهشگر / دانشجو، نام. (سال نشر). عنوان پایان‌نامه / رساله (استاد راهنما). پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری، دانشگاه، دانشکده، گروه تحصیلی.
مثال: ثانی، هادی. (۱۴۰۲). تصحیح و تحقیق نسخه خطی غررالامثال و دررالاقوال. (استاد راهنما: مرضیه آباد). رساله دکتری. دانشگاه فردوسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. گروه زبان و ادبیات عربی.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- آلوسی. سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. ج ۶. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۲- ابن عاشور، محمد طاهر بن شاذلی. (۱۴۲۰ق). التحریر و التئور من التفسیر. بیروت: موسسة التاريخ العربی.
- ۳- بشیر، حسن. (۱۳۹۰ش). رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان. تهران: سیمای شرق.
- ۴- بشیر، حسن. (۱۳۹۵ش). کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۵- بشیر، حسن (۱۳۹۷ش). تحلیل گفتمان دینی: مبانی نظری. قم: نشر لوگوس.
- ۶- بشیر، حسن. (۱۳۹۹ش). روش عملیاتی تحلیل گفتمان. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
- ۷- حرّی، ابوالفضل. (۱۴۰۳ش). بررسی روابط بینامتنی و زنجیرمندی مفهومی میان قصص مکافات محور و رحمت محور در سوره نمل. فصلنامه پژوهش نامه معارف قرآنی. شماره ۵۸، ص ۷۳ تا ۱۰۲.
- <https://doi.org/10.22054/rjqk.2024.81005.2998>
- ۸- خان‌جان، علیرضا؛ میرزا، زهرا. (۱۳۸۵ش). درآمدی به شعرشناسی نقشگرا (رویکردی زبانشناختی)، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۷، ص ۶۰-۷۷.
- ۹- رضوی، محمد صادقی. (بی تا) تفسیر آسان قرآن کریم. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۵۲ش). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
- ۱۱- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹ش). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه شعبانعلی بهرامپور. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۲- محمدی، فاطمه. (۱۴۰۱ق). «بررسی گفتمان قرآن در نقد جامعه جاهلی براساس الگوی پدام» رساله دکتری، دانشگاه کاشان.
- ۱۳- محمدی، فاطمه؛ اقبالی، عباس؛ جلائی، مریم؛ ایمانیان، حسین. (۱۴۰۲ش). گفتمان کاوی سه داستان قرآن براساس الگوی عملیاتی پدام. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی. شماره ۱. ص ۹۹ تا ۱۲۲.
- <https://doi.org/10.22034/isqs.2023.43318.2062>
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، قم: انتشارات علی ابن ابی طالب.
- ۱۵- میرزائی، زهرا. (۱۴۰۰ش). «تحلیل گفتمان حوزه اراده بشری با رویکرد پدام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک.
- ۱۶- نبوی، محمد؛ مهاجر، مهران. (۱۳۷۶ش). به سوی زبان‌شناسی شعر (رهیافتی نقشگرا). تهران: مرکز.
- ۱۷- ون دایک، تتون. (۱۳۸۹ش). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. پیروز ایزدی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- ۱۸- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ش). درآمدی به گفتمان‌شناسی. تهران: هرمس.

-Halliday, M & Ch Mathiessen. 2004. An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold Publishers Ltd.